

عربی (زبان قرآن (۱))

۱-

(مبیر همایی، ترجمه، صفحه‌ی ۶۰)

«تنوع معالم»: تنوع آثار / «بُشَّجَّ»: تشویق می‌کند / «السَّائِحِينَ»: گردشگران / «لرؤية»: برای دیدن / «جمال»: زیبایی

۲-

(سعیر یعفری، ترجمه، ترکیبی)

تشریح گزینه‌ها:

گزینه‌ی «۱»: سیحول: تبدیل خواهد کرد

گزینه‌ی «۲»: إحصاء ← شمارش

گزینه‌ی «۳»: استعملی ← به کار ببر / الأمراض: بیماری‌ها

گزینه‌ی «۴»: کنا نشهد ← شاهد بودیم، مشاهده می‌کردیم

۳-

(مریم آقاییاری، ترجمه، ترکیبی)

ترجمه درست عبارت: «بازیکن دستش را برای گرفتن توپ، به سرعت حرکت داد.»

۴-

(مریم آقاییاری، مفهوم، صفحه‌ی ۷۰)

«آیا پاداش نیکی به جز نیکی است؟ (فقط نیکی است.) که با گزینه «۳» (آیا مردم را

به نیکی امر می‌کنید و خودتان را فراموش می‌کنید؟) نمی‌تواند هم‌مفهوم باشد، ولی با

سایر گزینه‌ها، ارتباط معنایی دارد.

ترجمه‌ی گزینه‌ی «۲»: «هرکس نیکی بیاورد، پس ده برابر مانند آن پرايش هست.»

۵-

(سعیر یعفری، لغت و مفهوم، صفحه‌ی ۶۰ و ۶۱)

ترجمه صورت سؤال: ... و ... گردشگران را از همه جهان به ایران جذب می‌کند.

زیاله‌ها / ساختمان‌های فرهنگی

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: قالی‌ها / مناطق دلربا

گزینه‌ی «۳»: شیرینیجات / گیاهان طبی

گزینه‌ی «۴»: گیاهان طبی / صنایع دستی

۶-

(سعیر یعفری، لغت، ترکیبی)

برید (می‌خواهد) = یشاء (می‌خواهد)

۷-

(علی‌اکبر ایمان‌پرور، قواعد، صفحه‌ی ۶۳)

خبر: مبتدا، النَّاس: مضاف‌الیه و مجرور / مَنْ: خبر مبنی

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: سکوت: مبتدا، اللسان: مضاف‌الیه، سلامه: خبر اسم معرب، الإنسان:

مضاف‌الیه

گزینه‌ی «۲»: اللون: مبتدا، الأیض: صفت، لون: خبر معرب، الهدوء: مضاف‌الیه

گزینه‌ی «۳»: الطُّلاب: مبتدا، المؤذنون: صفت، مُحترمون: خبر معرب

۸-

(علی‌اکبر ایمان‌پرور، قواعد، صفحه‌ی ۵۱)

نظر: مبتدا، الوکد: مضاف‌الیه، إلی والذی: جار و مجرور، ه: مضاف‌الیه، لهما: جار و

مجرور، عبادة: خبر و مرفوع

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۲»: تُرید: مضارع مرفوع، الله: فاعل مرفوع، الیسر: مفعول

گزینه‌ی «۳»: إجتَمعت: فعل ماضی، المعلّمات: فاعل و مرفوع

گزینه‌ی «۴»: تَقع: فعل مضارع، قلعة: فاعل و مرفوع

۹-

(مبیر همایی، قواعد، صفحه‌ی ۶۹)

در جای خالی به فاعل مرفوع نیاز داریم که «الممرّضات» مرفوع به الف و مناسب

جای خالی است.

۱۰-

(مریم آقاییاری، مکالمه، صفحه‌ی ۶۷)

«من این داروها را برای دوستانم در کاروان می‌خرم.» که می‌توان سؤال‌های زیر در

مورد آن پرسید:

۱- برای چه کسانی این داروها را می‌خری؟

۲- چه چیزی برای دوستانت می‌خری؟

۳- چه کسی داروها را برای دوستانش در کاروان می‌خرد؟

اما برای سؤال «از کجا داروها را می‌خری ای دوست من؟!» در جمله آمده در صورت

سؤال، پاسخی وجود ندارد.

عربی (زبان قرآن (۱۶))

۱۱-

(مبیر همایی، ترجمه، صفحه‌ی ۲)

یَقْدُمُ: تقدیم می‌کند، بیان می‌کند / اُنْبَاءُه: پسرانش / «مَوَاعِظُ»: پندهایی / «تَرْسُوی»: تربیتی / «لِبَهْتَدِی»: برای اینکه هدایت شوند (در این جا) / کُلَّ الشَّبَاب: همه جوانان

۱۲-

(سعیر یعفری، ترجمه، ترکیبی)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: سینفک: به تو سود خواهد رساند

گزینه‌ی «۲»: ضَلَّ: گمراه شد

گزینه‌ی «۴»: تقیم: برپا می‌دارد / منکر: کار زشت

۱۳-

(مریم آقاییاری، ترجمه، ترکیبی)

«كَانَ يَعْمَلُونَ» فعل ماضی استمراری و به معنی «کار می‌کردند» است.

توضیح نکات درسی:

کان + فعل مضارع ← ماضی استمراری فارسی

۱۴-

(مریم آقاییاری، مفهوم، صفحه‌ی ۸)

ترجمه آیه مورد سؤال: «با آنها به روشی که نیکوتر است، مجادله کن.» که دعوت به نرمی و ملایمت می‌کند و از انتقام و کینه‌ورزی برحذر می‌دارد، پس با گزینه‌ی «۲» تناسب مفهومی دارد.

ترجمه‌ی گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۳»: «آیا پاداش نیکی به‌جز نیکی است؟» ربطی به آیه مورد سؤال ندارد.

گزینه‌ی «۴»: «ای بهترین آفرینندگان، حال ما را به بهترین حال تغییر بده.» ربطی به آیه مورد سؤال ندارد.

۱۵-

(سعیر یعفری، لغت، ترکیبی)

فنون: هنرها / رزاق: بسیار روزی‌دهنده / دنا: نزدیک شد / حمار: خر

۱۶-

(سعیر یعفری، لغت و مفهوم، صفحه‌ی ۳ و ۴)

ترجمه صورت سؤال: هیچ‌گاه نمی‌خواهم که ... باشم، زیرا خداوند هر ... را دوست ندارد.

ناامید / فروتنی

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: خودپسند / خودپسندی

گزینه‌ی «۳»: فخر فروش / خودبزرگ‌بینی

گزینه‌ی «۴»: ستمگر / ستمکار زورمندی

۱۷-

(علی‌اکبر ایمان‌پرور، قواعد، ترکیبی)

أشاهدُ: فعل مضارع متکلم وحده و فاعلش ضمیر مستتر أنا، مکتبات: مفعول (مفردش مکتبة: اسم مکان)، فی مدینة: جار و مجرور (اسم مکان)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: المساجد: نائب فاعل (مفردش «المسجد»: اسم مکان)

گزینه‌ی «۳»: متجر: خبر، اسم مکان (مغازه)

گزینه‌ی «۴»: لَه: جار و مجرور (خبر مقدم)، المشرق: اسم مکان (نقش مبتدا و مرفوع) المغرب: اسم مکان (نمی‌تواند مفعول باشد).

۱۸-

(علی‌اکبر ایمان‌پرور، قواعد، صفحه‌ی ۵ و ۱۰)

«أَسْخَطَ» فعل ماضی از باب «إفعال» است، نه اسم تفضیل (به‌معنای خشمگین کرد).

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: الأراذل: مفردش الأَرْدَل و الأفاضل: مفردش الأفضَل اسم تفضیل هستند.

گزینه‌ی «۲»: أعلی: اسم تفضیل: بلندترین

گزینه‌ی «۳»: الکبری: اسم تفضیل

۱۹-

(مبیر همایی، قواعد، صفحه‌های ۱۱، ۱۳ و ۱۶)

در گزینه‌ی «۲»، «التَّدَامَةُ» فاعل و مرفوع است.

۲۰-

(مریم آقاییاری، مکالمه، صفحه‌ی ۹)

این پیراهن مردانه برای چه کسی است؟ آن برای خواهر صادق است (نادرست) چون تصویر پیراهن مردانه را نشان می‌دهد و نمی‌تواند برای خانم باشد، هم‌چنین اسم اشاره مؤنث «تلک» برای اشاره به «قمیص» (مذکر) نادرست است.

ترجمه‌ی گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: قیمت این پیراهن مردانه چند است؟ شصت هزار تومان.

گزینه‌ی «۲»: آیا این پیراهنی مردانه است یا شلوار؟ این یک پیراهن مردانه است.

گزینه‌ی «۴»: مادر سعید چه گرفت؟ مادر سعید از بازار برایش پیراهنی زیبا گرفت.

عربی (بان قرآن (۱))

۲۱-

(مبیر همایی، ترجمه، صفحه‌ی ۴۸)

«كَانَتْ ... قَدْ عَرَفَتْ»: شناخته بودند / «الأعشاب الطَّيِّبَةُ»: علف‌های دارویی / كَيْفِيَّة
استعمالها: چگونگی کاربرد آن‌ها / وقایه: جلوگیری / الأمراض: بیماری‌ها

۲۲-

(سعیر بعفری، ترجمه، صفحه‌های ۴۹، ۵۷ و ۶۱)

«أَكْبَرُ الْحَقِّ»: بزرگترین نادانی

۲۳-

(مریم آقاییاری، ترجمه، ترکیبی)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: است ← بود (کانت: بود)

گزینه‌ی «۳»: «دو پلیس دیروز در ابتدای میدان اول ایستادند.»

گزینه‌ی «۴»: خوب شده بود ← خوب شد (إِلْتَامُ فِعْلٍ مَاضِي سَاهِدَةٌ).

۲۴-

(مریم آقاییاری، تعریب، صفحه‌ی ۶۵)

گفتار کسی را که: «قَوْلُ الْاَذَى (الْتِي)» / زیاد: «كثيراً» / دروغ می‌گوید: «يَكْذِبُ»

تَكْذِبُ / باور نمی‌کند: «لَا يُصَدِّقُ، لَا تُصَدِّقُ»

۲۵-

(سعیر بعفری، لغت، ترکیبی)

آفتاب پرست / جغد / گاو / سگ

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: تعطیلی / لیست / نور / میراث

گزینه‌ی «۲»: حرکت کرد / حرکت کرد / دربردارد / راهنمایی کرد

گزینه‌ی «۴»: پوست / دست / چشم / دماسنج

۲۶-

(سعیر بعفری، لغت و مفهوم، ترکیبی)

ایران می‌تواند از (راه) گردشگری سرمایه‌هنگفتی را درو کند. (نادرست) [تحصل

علی: به دست بیاورد]

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: «پنبه گیاه کوچکی است که در مناطق گرمسیر رشد می‌کند.

گزینه‌ی «۲»: «غده‌های زبان گربه مایعی مفید برای بهبود زخم ترشح می‌کند.

گزینه‌ی «۴»: انداختن عکس‌ها در این ساختمان زیبا ممنوع است.

۲۷-

(درویشعلی ابراهیمی، لغت، صفحه‌ی ۵۱)

کلمه‌ی (عَضُو) خبر است، نه مضاف‌إلیه.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: محلّ اعرابی کلمه (الذَّئِب) مبتدا است.

گزینه‌ی «۳»: محلّ اعرابی کلمه (الحيوان) مضاف‌إلیه است.

گزینه‌ی «۴»: محلّ اعرابی کلمه (المهم) صفت است.

۲۸-

(درویشعلی ابراهیمی، قواعد، صفحه‌ی ۶۵)

اعراب کلمه (البنفسجی) مرفوع است، زیرا این کلمه صفت است برای (اللّون) که محلّ

اعرابی آن مبتدا و مرفوع است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۲»: اعراب (التوم) مجرور است، زیرا محلّ اعرابی‌اش مضاف‌إلیه است.

گزینه‌ی «۳»: اعراب (مهذئ) مرفوع است، زیرا محلّ اعرابی‌اش خبر است.

گزینه‌ی «۴»: اعراب (الأعصاب) مجرور است، زیرا محلّ اعرابی‌اش مضاف‌إلیه است.

۲۹-

(مبیر همایی، قواعد، صفحه‌ی ۵۸)

در گزینه‌ی «۱»، «النَّاسُ» مفعول است.

۳۰-

(مریم آقاییاری، مکالمه، صفحه‌ی ۵۳)

ترجمه عبارت سؤال: «ای راننده، می‌خواهیم به مدائن برویم.» فعل «اجلسوا» برای

جمع مذکر مخاطب است و با ضمیر «کما» که مثنی است، تناسب ندارد، پس ساختار

جمله دوم نادرست است و باید بگوییم: اجلسا فی السَّيَّارَةِ.

ترجمه سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی «۱»: به روی چشم، بفرمایید در ماشین.

گزینه‌ی «۲»: من در خدمت شمایم. بفرمایید.

گزینه‌ی «۴»: به روی چشم. در تاکسی بنشینید.

زبان انگلیسی (۱)

۳۱-

(عبدالرشید شفیعی)

(۱) پاسخ (۲) مسئله، مشکل (۳) سفر (۴) مبارزه، نبرد
(کلوز تست)

۳۲-

(عبدالرشید شفیعی)

(۱) شگفت‌زده کردن (۲) یاد گرفتن (۳) استفاده کردن، به کار بردن (۴) پوشیدن
(کلوز تست)

۳۳-

(عبدالرشید شفیعی)

(۱) پختن (۲) نیاز داشتن (۳) سفارش دادن (۴) سوختن، سوزاندن
(کلوز تست)

۳۴-

(علی شلوهی)

ترجمه جمله: «کلمه "resembled" که زیر آن خط کشیده شده، در این متن به چه معناست؟»
«شبیبه بودن»
(درک مطلب)

۳۵-

(علی شلوهی)

ترجمه جمله: «بیرمرد کوهستان نمادی از ایالت نیوهمپشایر بود.»
(درک مطلب)

۳۶-

(علی شلوهی)

ترجمه جمله: «چرا برخی از مردم گل‌هایی را در پای کوهستان می‌گذاشتند؟»
«آن‌ها از این که بیرمرد کوهستان به روی زمین فروریخته بود، ناراحت بودند.»
(درک مطلب)

۳۷-

(پوادر مؤمنی)

ترجمه جمله: «نویسنده به‌نظر متعجب می‌رسد (چون) که عقاب‌های سرسفید از سایر پرندگان غذا می‌دزدند.»
(درک مطلب)

۳۸-

(پوادر مؤمنی)

ترجمه جمله: «طبق متن، بنجامین فرانکلین فکر می‌کرد بوقلمون وحشی نسبت به عقاب سرسفید انتخاب بهتری به‌عنوان نماد آمریکاست.»
(درک مطلب)

۳۹-

(پوادر مؤمنی)

ترجمه جمله: «چگونه عقاب‌های سرسفید کم سن و سال تر از عقاب‌های سرسفید بالغ متفاوت‌اند؟»
«آن‌ها کاملاً قهوه‌ای هستند.»
(درک مطلب)

۴۰-

(پوادر مؤمنی)

ترجمه جمله: «کلمه‌ای که زیر آن خط کشیده از نظر معنایی به "but" نزدیکترین است.»
(درک مطلب)

زبان انگلیسی (۱) (شاهد گواه)

۴۱-

(کتاب جامع)

ترجمه جمله: «پیتر در حال کتاب خواندن نبود. او داشت تمرینات ریاضی را انجام می‌داد.»
نکته: از جمله اول متوجه می‌شویم که سؤال مربوط به گذشته است. به دلیل این که عمل انجام دادن تمرینات مداومت دارد، پس باید از گذشته استمراری استفاده کنیم.
(کتاب جامع)

۴۲-

(کتاب جامع)

ترجمه جمله: «مارک و آدام داشتند چه کار می‌کردند وقتی تو آن‌ها را دیدی؟»
نکته: به ساختار «گذشته ساده + when + گذشته استمراری» دقت کنید.
(کتاب جامع)

۴۳-

(کتاب جامع)

ترجمه جمله: «بیل گیتس در جهان خیلی مشهور است. همه او را به عنوان مردی ثروتمند می‌شناسند.»
(۱) مشهور (۲) مناسب (۳) پرانرژی (۴) خوشایند
(واژگان)

۴۴-

(کتاب جامع)

ترجمه جمله: «او باور دارد که پول همه مشکلاتش را حل می‌کند، اما من این‌طور فکر نمی‌کنم.»
(۱) تلاش کردن (۲) حل کردن (۳) جست‌وجو کردن (۴) ذخیره کردن
(واژگان)

۴۵-

(کتاب جامع)

ترجمه جمله: «تخت خواب‌های کوچکی که برای کودکان ساخته می‌شود، گهواره نامیده می‌شود.»
(۱) ساختمان (۲) سیاره (۳) گهواره (۴) مدرسه
(واژگان)

۴۶-

(کتاب جامع)

(۱) علاقه (۲) موفقیت (۳) عقیده (۴) احساس
(کلوز تست)

۴۷-

(کتاب جامع)

(۱) تجربه (۲) آزمایش (۳) علاقه (۴) تمرین
(کلوز تست)

۴۸-

(کتاب جامع)

(۱) جنگ (۲) بزرگ (۳) سریع (۴) پروازکننده
(کلوز تست)

۴۹-

(کتاب جامع)

(۱) دست برداشتن (۲) گشتن (۳) بزرگ شدن (۴) فهمیدن
(کلوز تست)

۵۰-

(کتاب جامع)

(۱) رفتار کردن (۲) ترک کردن (۳) منقرض شدن (۴) مردن
(کلوز تست)

ریاضی و آمار (۱)

۵۱-

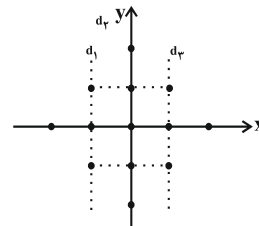
(امیر زراندوز، مفهوم تابع، صفحه‌ی ۵۶ تا ۶۵)

فقط نمودار رسم شده در گزینه (۴) تابع نیست، زیرا خطی عمودی می‌توان رسم کرد که نمودار را در بیش از یک نقطه قطع کند.

۵۲-

(فرزاد روشنی، مفهوم تابع، صفحه‌ی ۵۶ تا ۶۵)

وقتی نمودار یک رابطه داده شده، این نمودار وقتی تابع است که اگر هر خطی موازی محور y ها رسم کنیم نمودار را حداکثر در یک نقطه قطع کند. با حذف حداقل دو نقطه از نقاط مشخص روی خط d_1 ، حذف حداقل ۴ نقطه از نقاط مشخص روی محور y ها و حذف دو نقطه از نقاط مشخص روی خط d_2 نمودار تبدیل به یک تابع خواهد شد. پس حداقل با حذف ۸ نقطه به یک تابع می‌رسیم.



۵۳-

(فرزاد روشنی، ضابطه جبری تابع، صفحه‌ی ۶۶ تا ۷۱)

وقتی دامنه تک عضوی است، پس الزاماً برد تابع نیز تک عضوی می‌باشد.

$$f = \{(3, x-y), (3, -1), (4x+y, -1)\}$$

$$\begin{cases} 4x+y=3 \\ x-y=-1 \end{cases}$$

$$\Delta x = 2 \Rightarrow x = \frac{2}{\Delta} \Rightarrow y = \frac{2}{\Delta} + 1 = \frac{4}{\Delta}$$

$$(\Delta x, \Delta y) = (2, 4)$$

۵۴-

(امیر زراندوز، ضابطه جبری تابع، صفحه‌ی ۶۶ تا ۷۱)

با توجه به نمودارها می‌توان این‌طور نوشت:

$$D_f = \{x \geq -2\} \quad , \quad D_g = \{x \leq 1\}$$

$$R_f = \{y \geq 2\} \quad , \quad R_g = \{y \leq -1\}$$

پس فقط گزینه‌ی «۲» نادرست است.

دقت کنید که مجموعه $D = \{x \in \mathbb{R} \mid -2 \leq x \leq 1\}$ در دامنه هر دو تابع قرار دارد.

۵۵-

(فرزاد روشنی، نمودار تابع خطی، صفحه‌ی ۷۲ تا ۷۸)

چون نمودار تابع خطی از مبدأ مختصات می‌گذرد، لذا ضابطه تابع به فرم $y = ax$ است. پس داریم:

$$2n + 8 = 0 \Rightarrow n = -4$$

حال با جایگذاری مقدار $n = -4$ داریم:

$$y = (-4 - 3)x \Rightarrow y = -7x$$

حال با توجه به گزینه‌ها و قرار دادن $x = -1$ در ضابطه تابع داریم:

$$y = -7 \times (-1) = 7 \Rightarrow (-1, 7)$$

۵۶-

(عمیر زرین‌کفش، نمودار تابع خطی، صفحه‌ی ۷۲ تا ۷۸)

فرض می‌کنیم ضابطه تابع خطی به فرم $f(x) = mx + n$ باشد، در این صورت داریم:

$$f(x) = mx + n \Rightarrow \begin{cases} f(-1) = 5 \Rightarrow m \times (-1) + n = 5 \Rightarrow -m + n = 5 \quad (1) \\ f(3) = -2 \Rightarrow m \times (3) + n = -2 \Rightarrow 3m + n = -2 \quad (2) \end{cases}$$

$$\xrightarrow{(2), (1)} m = \frac{-7}{4}, n = \frac{13}{4}$$

پس ضابطه تابع خطی به فرم $f(x) = -\frac{7}{4}x + \frac{13}{4}$ می‌باشد.

$$f(1) = -\frac{7}{4} \times (1) + \frac{13}{4} = \frac{-7+13}{4} = \frac{6}{4} = \frac{3}{2}$$

$$f(-3) = -\frac{7}{4} \times (-3) + \frac{13}{4} = \frac{21+13}{4} = \frac{34}{4} = \frac{17}{2}$$

$$f(1) + f(-3) = \frac{3}{2} + \frac{17}{2} = \frac{20}{2} = 10$$

۵۷-

(امیر ورکیانی، نمودار تابع خطی، صفحه‌ی ۷۲ تا ۷۸)

ابتدا مقدار حجمی که استخر خالی است و باید پر شود را به دست می‌آوریم که برابر است با:

$$500000 - 600000 = 440000 \text{ لیتر}$$

حال این مقدار حجم توسط پمپی با نرخ ۲۰۰ لیتر بر دقیقه پر می‌شود. پس مدت زمان لازم برابر است با:

$$\text{مدت زمان لازم} = \frac{440000}{200} = 2200 \text{ دقیقه}$$

که اگر این مدت زمان را به ساعت تبدیل کنیم خواهیم داشت:

$$\text{ساعت} = \frac{2200}{60} = 36 \frac{4}{6}$$

۵۸-

(امیر زراندوز، نمودار تابع درجه ۲، صفحه‌ی ۷۹ تا ۸۶)

$$y = -x^2 - 2kx + 4$$

$$x_s = \frac{-b}{2a} = \frac{-(-2k)}{2(-1)} = \frac{-2k}{-2} = k = \frac{-1}{2} \Rightarrow -k = \frac{1}{2} \Rightarrow k = \frac{-1}{2}$$

$$y = -x^2 - 2\left(\frac{-1}{2}\right)x + 4 \Rightarrow y = -x^2 + x + 4 \xrightarrow{x_s = \frac{1}{2}}$$

$$y_s = -\left(\frac{1}{2}\right)^2 + \frac{1}{2} + 4 = -\frac{1}{4} + \frac{1}{2} + 4 = \frac{-1+2+16}{4} = \frac{17}{4}$$

۵۹-

(عمید زریں کفش، نمودار تابع درجه ۲، صفحه ۷۹ تا ۸۶)

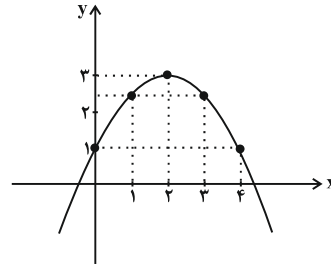
$$y = \frac{-1}{4}(x-2)^2 + 3$$

برای رسم نمودار سهمی، ابتدا طول و عرض رأس آن را با توجه به ضابطه تابع می یابیم:

مختصات رأس: (۲، ۳)

x	۰	۱	۲	۳	۴
y	۱	$\frac{5}{4}$	۳	$\frac{5}{4}$	۱

حال با توجه به جدول بالا نمودار تابع را رسم می کنیم:



همان طور که از نمودار پیداست، این نمودار از هر ۴ ناحیه محورهای مختصات عبور می کند.

۶۰-

(عمید زریں کفش، نمودار تابع درجه ۲، صفحه ۷۹ تا ۸۶)

برای به دست آوردن ماکسیم حاصل ضرب xy ابتدا از رابطه $\frac{x}{2} + 3y = 60$ مقدار

y را بر حسب x به دست می آوریم و در تابع حاصل ضرب قرار می دهیم، سپس ماکسیم مقدار تابع حاصل ضرب که یک تابع درجه دوم و بر حسب x می شود را می یابیم:

$$\frac{x}{2} + 3y = 60 \Rightarrow 3y = 60 - \frac{x}{2} \Rightarrow y = \frac{60}{3} - \frac{x}{6} = 20 - \frac{x}{6} \quad (1)$$

$$S = xy \xrightarrow{(1)} S = x(20 - \frac{x}{6}) = -\frac{x^2}{6} + 20x$$

$$\text{طول رأس سهمی} = \frac{-20}{2 \times (-\frac{1}{6})} = \frac{-20}{-\frac{1}{3}} = 60$$

$$S = -\frac{(60)^2}{6} + 20 \times (60) = \frac{-3600}{6} + 1200 = -600 + 1200 = 600$$

$$= -600 + 1200 = 600$$

ریاضی و آمار (۲)

۶۱-

(امیر ورکیانی، گزارهها و ترکیب گزارهها، صفحه ۲ تا ۳)

می دانیم گزاره جمله ای است خبری که ارزش درست یا نادرست داشته باشد. ولی جمله (پ) قابل ارزش گذاری نیست و گزاره محسوب نمی شود.

۶۲-

(فرردار روشنی، گزارهها و ترکیب گزارهها، صفحه ۳ و ۴)

نقیض گزاره « a منفی است» به صورت « a منفی نیست» یا « a نامنفی است» می باشد. دقت کنید که a مثبت است نقیض گزاره نمی باشد، زیرا $a = 0$ نیز می تواند رخ دهد که $a = 0$ عدد مثبت نیست.

۶۳-

(فرردار روشنی، گزارهها و ترکیب گزارهها، صفحه ۴ تا ۱۱)

اگر $x > y$ گزاره p و $y < z$ را گزاره q در نظر بگیریم پس $x > y$ یا $y < z$ به صورت ترکیب فصلی دو گزاره می باشد که به صورت $p \vee q$ می باشد.

نقیض $p \vee q$ با استفاده از قوانین دمورگان به صورت $\sim p \wedge \sim q$ در می آید. پس هم p و هم q نقیض می شود، داریم:

$$p : x > y \xrightarrow{\text{نقیض}} \sim p : x \leq y$$

$$q : y < z \xrightarrow{\text{نقیض}} \sim q : y \geq z$$

۶۴-

(فرردار روشنی، گزارهها و ترکیب گزاره، صفحه ۲ تا ۱۱)

طبق جدول زیر داریم:

p	q	$\sim q$	$p \wedge q$	$p \vee q$	$p \Rightarrow \sim q$
T	T	F	T	T	F
T	F	T	F	T	T
F	T	F	F	T	T
F	F	T	F	F	T

$p \Rightarrow (p \vee q)$	$(p \Rightarrow q)$	$p \wedge (p \Rightarrow q)$	$p \Rightarrow (p \wedge q)$
T	T	T	T
T	F	F	F
T	T	F	T
T	T	F	T

با توجه به جدول فقط ارزش گزاره $p \Rightarrow (p \vee q)$ همواره درست است.

۶۵-

(امیر زرانروز، گزارهها و ترکیب گزارهها، صفحه ۲ تا ۱۱)

با استفاده از هم ارزی دمورگان داریم:

$$\sim (\sim p \wedge \sim q) \equiv \sim (\sim p) \vee \sim (\sim q) \equiv p \vee q \equiv F$$

ارزش $p \vee q$ نادرست است، پس هم p و هم q هر دو ارزش نادرست دارند، بنابراین:

$$\sim (q \Rightarrow \sim p) \equiv \sim (F \Rightarrow \sim F) \equiv \sim \left(\frac{F \Rightarrow T}{T} \right) \equiv F$$

$$p \Leftrightarrow q \equiv F \Leftrightarrow F \equiv T$$

۶۶-

(امیر زرانروز، گزارهها و ترکیب گزارهها، صفحه ۲ تا ۱۱)

از نادرستی ارزش گزاره $(p \wedge q) \Rightarrow (s \vee r)$ نتیجه می گیریم که $(p \wedge q)$ درست و $(s \vee r)$ نادرست است، لذا هم p و هم q درست است. همچنین هم s نادرست است و هم r نادرست. بنابراین خواهیم داشت:

$$[(\sim p \vee \sim r) \Leftrightarrow (s \wedge q)] \equiv [(\sim T \vee \sim F) \Leftrightarrow (F \wedge T)]$$

$$\equiv \left[\frac{(F \vee T)}{T} \Leftrightarrow \frac{(F \wedge T)}{F} \right] \equiv F$$

$$p \Rightarrow r \equiv T \Rightarrow F \equiv F$$

ریاضی و آمار (۱)

۷۱- (مبیا اصغری، ضابطه‌ی جبری تابع، صفحه‌ی ۶۶ تا ۷۱)

تابع f از مجموعه X به مجموعه Y رابطه‌ای بین دو مجموعه است که در آن به هر عضو از X دقیقاً یک عضو از Y نظیر شود. دامنه‌ی تابع شامل تمام اعضای مجموعه اول می‌باشد و برد تابع شامل مجموعه اعضای است که فقط به آن‌ها پیکان وارد شده است.

دامنه $D = \{2, 3, 4, 5, 6\}$
برد $R = \{12, 9, 10, 5\}$

۷۲- (همیر زرین‌کفش، مفهوم تابع، صفحه‌ی ۵۶ تا ۶۵)

چون از عضو (۲) از مجموعه اول چند پیکان خارج شده است و شرط تابع بودن را نقض می‌کند، لذا می‌بایست این عضو حذف شود، از طرفی از تمام اعضای مجموعه اول باید پیکان خارج شود و چون از عضو ۴ پیکانی خارج نشده است این عضو نیز شرط تابع بودن را نقض می‌کند. پس با حذف عضوهای ۲ و ۴ از مجموعه اول شرط تابع بودن برآورده می‌شود.

۷۳- (هاری پلور، ضابطه‌ی جبری تابع، صفحه‌ی ۶۶ تا ۷۱)

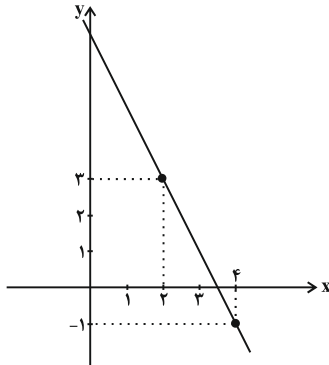
با توجه به ضابطه‌ی تابع و دامنه‌ی تابع داریم:

x	f(x) = $\frac{\sqrt{x+1}}{x-2}$
0	$f(0) = \frac{\sqrt{0+1}}{0-2} = \frac{1}{-2} = -\frac{1}{2}$
-1	$f(-1) = \frac{\sqrt{-1+1}}{-1-2} = \frac{\sqrt{0}}{-3} = 0$
3	$f(3) = \frac{\sqrt{3+1}}{3-2} = \frac{\sqrt{4}}{1} = 2$
8	$f(8) = \frac{\sqrt{8+1}}{8-2} = \frac{\sqrt{9}}{6} = \frac{3}{6} = \frac{1}{2}$

مجموع اعضای برد تابع $= -\frac{1}{2} + 0 + 2 + \frac{1}{2} = 2$

۷۴- (مهمر بفرایی، نمودار تابع خطی، صفحه‌ی ۷۲ تا ۷۸)

با توجه به مختصات نقاط داده شده نمودار تابع را رسم می‌کنیم:



با توجه به نمودار رسم شده، این نمودار از ناحیه‌ی سوم محورهای مختصات عبور نمی‌کند.

۶۷-

(امیر زراندوز، گزاره‌ها و ترکیب گزاره‌ها، صفحه‌ی ۲ تا ۱۱)

(آ) اگر دو عدد فرد را x و y فرض کنیم، گزاره‌ی دوشروطی را به صورت دو گزاره‌ی زیر تبدیل می‌کنیم:

$(\text{حاصل } x+y \text{ زوج است}) \Rightarrow (y, x \text{ فرد هستند})$
T

$(y, x \text{ فرد هستند}) \Rightarrow (\text{حاصل } x+y \text{ زوج است})$
F

کل گزاره‌ی دوشروطی، ارزش نادرست دارد.

مثلاً $(4+8=12)$ ولی 4 و 8 زوج هستند.

$(x+1 \text{ مرکب است}) \Rightarrow (x \text{ اول است})$
F

کلاً F است

هر عدد اولی را با ۱ جمع کنیم به عددی زوج تبدیل می‌شود و مرکب خواهد بود ولی دقت کنید عدد اول $x=2$ این شرط را ندارد. پس گزاره‌ی شرطی در حالت کلی درست نیست.

$[19 \text{ عدد اول و فرد است}] \vee [(-1) \text{ عددی صحیح و گنگ است.}]$
T

کلاً T است

$[(\frac{1}{2} > \frac{1}{3}) \wedge (\sqrt{3} \notin Z)] \Rightarrow 28 \text{ مربع کامل است}$
T

کلاً T است

(ت)

۶۸-

(همیر زرین‌کفش، استدلال ریاضی، صفحه‌ی ۱۲ و ۱۳)

اگر عدد مورد نظر را x در نظر بگیریم دو برابر جذر آن (معادل $2\sqrt{x}$) که برابر مجذور نصف آن (معادل $(\frac{x}{2})^2$) است، پس داریم:

$2\sqrt{x} = (\frac{x}{2})^2$

۶۹-

(مهمر بفرایی، استدلال ریاضی، صفحه‌ی ۱۴ و ۱۵)

در قیاس استثنایی به صورت زیر استدلال می‌کنیم:

$p \Rightarrow q$

$p \text{ یا } ((p \Rightarrow q) \wedge p) \Rightarrow q$

$\therefore q$

پس ادامه‌ی قیاس استثنایی مثال، گزینه‌ی (۱) «علی در آزمون سطح ۱ زبان نمره ۷۰ گرفته است، در نتیجه می‌تواند در کلاس سطح ۲ زبان ثبت‌نام کند.» است.

۷۰-

(امیر زراندوز، استدلال ریاضی، صفحه‌ی ۱۴ تا ۱۸)

$c^2 = a^2 + b^2$: فیثاغورث در مثلث اولیه

$c'^2 = (\Delta a)^2 + b^2 = 2\Delta a^2 + b^2$: فیثاغورث در مثلث جدید

$\Rightarrow \sqrt{c'^2 - c^2} = \sqrt{2\Delta a^2 + b^2 - a^2 - b^2} = \sqrt{2\Delta a^2} = a\sqrt{2\Delta}$



۷۵-

(فرزاد روشنی، نمودار تابع خطی، صفحه‌ی ۷۲ تا ۷۸)

چون نمودار میزان افزایش در سه ماه اول یک تابع خطی است، افزایش قد از صفر تا ۳ ماه را به دست آورده و بر ۳ تقسیم می‌کنیم.

$$\text{سانتی متر } 3 = \frac{9}{3} = \text{افزایش ماهانه قد} \Rightarrow 9 = 52 - 61$$

۷۶-

(امیر مضموریان، مفهوم تابع، صفحه‌ی ۵۶ تا ۶۵)

رابطه‌ی صورت سؤال در صورتی تابع است که هیچ دو زوج مرتب متمایزی با مؤلفه‌های اول برابر در آن وجود نداشته باشد. یا به عبارت دیگر اگر هم زوج مرتب‌هایی با مؤلفه اول برابر وجود داشت در این صورت می‌بایست مؤلفه دوم آن‌ها نیز برابر باشند:

$$(5, 4) = (5, 2ab)$$

$$\Rightarrow 2ab = 4 \Rightarrow ab = 2 \quad (1) \quad (2, 12) = (ab, a^2 + b^2)$$

$$a^2 + b^2 = 12 \quad (2)$$

حال با توجه به اتحاد مربع دو جمله‌ای داریم:

$$(a - b)^2 = a^2 + b^2 - 2ab \Rightarrow (a - b)^2 = 12 - 2 \times 2 = 8$$

$$\Rightarrow a - b = \pm \sqrt{8} \xrightarrow{a > b} a - b = \sqrt{8} \Rightarrow a - b = 2\sqrt{2}$$

۷۷-

(عمیر زرین‌کفش، نمودار تابع خطی، صفحه‌ی ۷۲ تا ۷۸)

طول اولیه‌ی فنر بدون هیچ وزنه‌ای ۷ سانتی‌متر است، پس در حقیقت به‌ازای جرم صفر مقدار تابع ۷ می‌باشد، یعنی $f(0) = 7$ حال اگر وزنه‌ای به جرم ۵ کیلوگرم به آن اضافه کنیم افزایش طول آن 0.5 سانتی‌متر می‌شود پس به‌ازای هر کیلوگرم افزایش طول فنر برابر است با:

$$\frac{0.5}{5} = 0.1$$

پس ضابطه‌ی تابع طول فنر بر حسب جرم (بر حسب کیلوگرم) به صورت زیر می‌باشد.

$$f(m) = 0.1m + 7$$

۷۸-

(امیر مضموریان، نمودار تابع درجه ۲، صفحه‌ی ۷۹ تا ۸۶)

می‌دانیم که در تابع درجه دوم $y = ax^2 + bx + c$ ، نقطه به طول $x = \frac{-b}{2a}$ رأس سهمی است و برای این که تابع حداکثر داشته باشد، باید $a < 0$ باشد. در این سؤال مختصات رأس سهمی برابر است با:

$$\text{جایگذاری در تابع} \quad x = \frac{-2}{2(2a)} = \frac{-1}{2a}$$

$$2a \times \left(\frac{-1}{2a}\right)^2 + 2 \times \left(\frac{-1}{2a}\right) + 1 = 2$$

$$2a \times \left(\frac{1}{4a^2}\right) - \frac{1}{a} - 1 = 0 \Rightarrow \frac{1}{2a} - \frac{1}{a} - 1 = 0 \Rightarrow \frac{1 - 2 - 2a}{2a} = 0$$

$$\Rightarrow -1 - 2a = 0 \Rightarrow 2a = -1 \Rightarrow a = -\frac{1}{2}$$

۷۹-

(لیلا فابی علیا، نمودار تابع درجه ۲، صفحه‌ی ۷۹ تا ۸۶)

چون دهانه سهمی رو به پایین است، پس ضریب x^2 باید منفی باشد. هم‌چنین محور تقارن این سهمی خط $x = -2$ است و محور y ها را در نقطه‌ای به عرض ۵ قطع می‌کند. بنابراین:

$$y = -(x+2)^2 + c$$

$$\xrightarrow{(0,5)} 5 = -(0+2)^2 + c \Rightarrow c = 9$$

$$\Rightarrow y = -(x+2)^2 + 9 \Rightarrow y = -x^2 - 4x + 5$$

۸۰-

(فرزاد روشنی، نمودار تابع درجه ۲، صفحه‌ی ۷۹ تا ۸۶)

چون به‌ازای هر ۱ واحد که به عرض اضافه می‌شود، دو واحد از طول کم می‌شود، پس ضابطه مساحت مستطیل در حالت کلی به فرم زیر است که یک تابع درجه دوم است و برای به دست آوردن حداکثر مقدار آن داریم:

$$S = (30 + x)(80 - 2x)$$

$$S = -2x^2 + 20x + 2400 \Rightarrow x = \frac{-b}{2a} = \frac{-20}{-4} = 5$$

$$S = -2 \times (5)^2 + 20 \times 5 + 2400 = -2 \times 25 + 100 + 2400 = 2450$$

اقتصاد

۸۱-

(فاطمه فحیمیان، رشد، توسعه و پیشرفت، صفحه‌ی ۷۹ و ۸۰)

گسترش و توسعه مراکز تولیدی ← رشد، کاهش نرخ مرگ و میر نوزادان ← توسعه بهبود وضعیت بهداشت و سلامت ← توسعه، تأسیس کارخانه‌های جدید ← رشد

۸۲-

(کامران الله مرادی، رشد، توسعه و پیشرفت، صفحه‌ی ۸۱)

الف) نرخ مرگ و میر نوزادان در نروژ برابر با $2/3$ و در ایران $14/4$ در هر هزار تولد است.

ب) نرخ باسوادی بزرگسالان در موزامبیک برابر با $50/6$ درصد است.

۸۳-

(فاطمه فحیمیان، رشد، توسعه و پیشرفت، صفحه‌ی ۸۲)

الف) متوسط درصد نرخ باسوادی بزرگسالان و متوسط امید به زندگی در آغاز تولد در ۴۳ کشور با توسعه انسانی ضعیف به ترتیب $57/1$ درصد و $60/5$ سال است و متوسط نرخ مرگ و میر نوزادان در ۴۹ کشور با توسعه انسانی زیاد ۶ نفر است.

ب) تفاوت و شکاف عمیق بین کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به سطح درآمد سرانه محدود نمی‌شود و تقریباً در تمامی شاخص‌های توسعه وجود دارد.

۸۴-

(مهری کاروان، رشد، توسعه و پیشرفت، صفحه‌های ۷۹، ۸۰ و ۸۳)

«رشد» صرفاً به معنای افزایش تولید است؛ بنابراین مفهومی کمی است.

۸۵-

(علیرضا رضایی، رشد، توسعه و پیشرفت، صفحه‌ی ۸۰ تا ۸۳)

موارد (ج) و (د) نادرست است.

(ج): درآمد سرانه سالانه در بیش از ۵۰ کشور در حال توسعه فقیر از ۱۶۰۰ دلار کمتر است.

(د): ایران در این جدول رتبه شصت و نهم را در اختیار دارد.



۸۶-

کامران الله مراری، رشد، توسعه و پیشرفت و فقر و توزیع درآمد، صفحه‌های ۸۱، ۸۵ تا ۸۷
اگر در جامعه‌ی نسبت دهک دهم به دهک اول بیشتر باشد توزیع درآمد در آن جامعه نامناسب‌تر است.

۸۷-

(علیرضا رضایی، فقر و توزیع درآمد، صفحه‌ی ۸۶ و ۸۷)

(الف)

$4 = 6 - 2 = 4$ % سهم دهک سوم

$12 = 9 + 3 = 12$ % سهم دهک هفتم

(ب)

$12 = \frac{24}{2} = \frac{\text{دهک دهم}}{\text{دهک اول}}$ شاخص توزیع درآمد

(ج) میلیون دلار $80 = 12 \times \frac{100}{15} = 12 \times \frac{15}{100} \times \text{کشور}$ درآمد کل کشور

میلیون دلار $3/2 = \frac{4}{100} \times 80 = \text{مجموع درآمد افراد دهک سوم}$

۸۸-

(موری کاردان، فقر و توزیع درآمد، صفحه‌ی ۸۵ و ۸۶)

سطح حداقل معیشت (خط فقر) از یک کشور به کشور دیگر یا از یک زمان به زمان دیگر متفاوت است و این امر منعکس‌کننده تفاوت در نیاز است.

۸۹-

(مریم بوستان، فقر و توزیع درآمد، صفحه‌ی ۸۸)

با به‌کارگیری نظام صحیح مالیاتی می‌توان تفاوت میان درآمد و ثروت یک گروه محدود پر درآمد و اکثریت کم‌درآمد را کاهش داد. در این صورت درآمد و ثروت به صورت عادلانه‌تر، مجدداً توزیع می‌شود.

۹۰-

(مریم بوستان، فقر و توزیع درآمد، صفحه‌ی ۸۸)

سرمایه‌گذاری برای آموزش و تأمین اقتصادی - اجتماعی انسان به افزایش بهره‌وری نیروی کار منجر می‌شود.

علوم و فنون ادبی (۱)

۹۱-

(مسن اصغری، قافیه، صفحه‌ی ۸۱)

واژه‌های قافیه در گزینه‌ی «۴» براساس مصوت «و» به تنهایی (قاعده ۱) ساخته شده‌اند (بازو - آهو) اما قافیه در گزینه‌های دیگر براساس «مصوت + صامت + صامت» (قاعده ۲) است.

واژه‌های قافیه در گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: خال و جمال

گزینه‌ی «۲»: ماه و راه

گزینه‌ی «۳»: یار و کردگار

۹۲-

(ممتاز شریفی، هماهنگی پاره‌های کلام، صفحه‌ی ۷۶)

گزینه «۴» از الگوی هجایی «-U / - - U / - - U / - - U» ساخته شده است. یعنی هجای آخر آن حذف شده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱، ۲ و ۳»: بر اساس پاره‌های هماهنگ کلام «-U / - - U / - - U / - - U» ساخته شده‌اند.

۹۳-

(سعید یعفری، سبک و سبک‌شناسی (سبک عراقی)، صفحه‌ی ۶۰)

(الف) فاصله گرفتن از عشق زمینی

(ب) گرایش به عرفان و تصوف

(پ) اشاره به معشوق زمینی

(ت) وجود روح شادی و نشاط در شعر

۹۴-

(سعید یعفری، سبک و سبک‌شناسی (سبک عراقی)، صفحه‌ی ۶۰ و ۶۱)

حذف افعال: طایفه‌ای ایستاده بودند

استفاده از آرایه‌های ادبی در نثر: برمی‌گشت، برمی‌گذشت (سجع) / «دید، دیده» و

«شاعر و شاطر» (جناس)

قدم در نهاد / سر به میان ایشان برآورد (کنایه)

۹۵-

(اعظم نوری‌نیا، سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار شعر فارسی، صفحه‌ی ۶۸)

در ابیات گزینه‌های «۱»، «۲» و «۴» شاعر به کمک وزن و آهنگ کوبنده، کوتاه، ضربی و تند، بار حماسی فضای شعر را غنی ساخته است.

۹۶-

(عارف‌سادات طباطبایی‌نژاد، سبک و سبک‌شناسی (سبک عراقی)، صفحه‌ی ۵۹ و ۶۰)

بیت گزینه «۳» در موضوع وصف طبیعت و به سبک خراسانی سروده شده است.

۹۷-

(عارف‌سادات طباطبایی‌نژاد، هماهنگی پاره‌های کلام، صفحه‌ی ۷۵)

تقطیع بیت بدین صورت است:

- - UU - - UU - - UU - -

- - UU - - UU - - UU - -

شانزده هجای بلند و بیست و هشت مصوت دارد.

۹۸-

(مسن اصغری، سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار شعر فارسی، صفحه‌ی ۶۸ تا ۷۰)

ابیات گزینه‌های «۱»، «۲» و «۳» دارای وزن و آهنگ کوبنده و ضربی و تند هستند و بار

حماسی فضای شعر را آشکار می‌سازند، اما بیت گزینه‌ی «۴» بیشتر بیانگر حسن و

حال پند و اندرز است.

۹۹-

(وفیر رضازاده، قافیه، صفحه‌ی ۸۱)

در این گزینه «ی» حرف اصلی نیست. «و» حرف اصلی و قافیه براساس قاعده «۲»

است. ولی قافیه سایر گزینه‌ها براساس قاعده «۱» است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: واژه‌های قافیه: «گیسو»، «رو» / حرف قافیه: مصوت بلند (و) قاعده «۱».

گزینه‌ی «۳»: واژه‌های قافیه: «کو»، «رو» / حرف قافیه: (و) قاعده «۱»

گزینه‌ی «۴»: واژه‌های قافیه: «ما»، «تماشا» / حرف قافیه: (ا) قاعده «۱»

۱۰۰-

(اعظم نوری‌نیا، قافیه، صفحه‌ی ۸۲)

در ابیات «ب»، «ت»، «ج» قافیه درونی به کار رفته است.

(ب) بار، تیمار، منقار

(ت) فضول، عقول، ملول

(ج) نجات، مات، خوش صفات

علوم و فنون ادبی (۲)

۱۰۱-

(سعید یغفری، تشبیه، صفحه‌ی ۲۸)

در بیت گزینۀ «۱» به کردار (به معنای «در عمل») است و ادات تشبیه نیست.

تشریح گزینۀ‌های دیگر:

گزینۀ «۲»: ماه‌وش: مانند ماه / چون اسیران: مانند اسیران

گزینۀ «۳»: به کردار بهاری دلگشای: مانند بهاری دلگشای / به کردار نگاری دلستان:

مانند نگاری دلستان

گزینۀ «۴»: خرد [مانند] نقد سرای کاینات است / عشق [مانند] اکسیر حیات است.

۱۰۲-

(عارف سادات طباطبایی نژاد، تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم، صفحه‌ی ۱۲ تا ۱۵)

تشریح گزینۀ‌های دیگر:

گزینۀ «۱»: نجم‌الدین کبری در حمله مغول کشته شد.

گزینۀ «۲»: انتقال کانون‌های فرهنگی از عصر سلجوقیان آغاز شده بود.

گزینۀ «۴»: پیچیده‌نویسی بیشتر در موضوعات تاریخی و در کتاب‌هایی چون تاریخ جهان‌گشا و تاریخ و صفات نمایان است.

۱۰۳-

(ممن اصغر، پایه‌های آوایی، صفحه‌ی ۲۴)

واژه‌های گزینۀ «۲» از نظر ارزش آوایی برای جاهای خالی بیت مناسب هستند.

پایه‌های آوایی شعر:

ام روز حا	لی غرقِ ام	تا با ک تا	ری اوف تم
آن گه ح کا	بت گوی مت	در د دل	غر قاب را

۱۰۴-

(وفیر رضازاده، تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم، صفحه‌ی ۱۸)

جامی کتاب نفحات‌الانس خود را به شیوۀ تذکره‌الاولیای عطار در بیان حقایق عرفانی و ذکر احوال عارفان نگاهشته است.

۱۰۵-

(وفیر رضازاده، تشبیه، صفحه‌ی ۲۸)

تشبیه من به مرغ / بلا به دام (۲ تشبیه)

در سایر ابیات سه تشبیه وجود دارد:

گزینۀ «۱»: شب به دام خورشید / شب به زلف یار / شب به عید روزگار

گزینۀ «۳»: خاور به غبار / خاور به ناله خاموش / خاور به اثر باخته آه (آه اثر باخته)

گزینۀ «۴»: نگاه به آینه / آینه نگاه به پیوند صبح و ساحل / لبخند گاه‌گاه به صبح

ستاره‌باران

۱۰۶-

(عارف سادات طباطبایی نژاد، پایه‌های آوایی، صفحه‌ی ۲۲)

مصراع این گزینۀ، دارای سه پایه آوایی است:

صو ز ت اق	با ل ش کر	ریز گفت
-----------	-----------	---------

سایر ابیات، چهار پایه آوایی دارند.

تشریح گزینۀ‌های دیگر:

گزینۀ «۱»:

ت گوی	گرف تا	ر هج رم	م گر
-------	--------	---------	------

گزینۀ «۳»:

ع ط ارد مش	ت ری با ید	م تا ع آ	س ما نی را
------------	------------	----------	------------

گزینۀ «۴»:

چن ب هش تی	جا و دانی	گش ت از فر	ر ض ی یا
------------	-----------	------------	----------

۱۰۷-

(سعید یغفری، تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم، صفحه‌ی ۱۶ و ۱۷)

از غزل پردازان برجستۀ قرن هشتم که غزل‌های او بر حافظ نیز تأثیرگذار بوده است: خواجه کرمانی

مثنوی «جمشید و خورشید» او به شیوۀ داستان‌های نظامی سروده شده است:

سلمان ساوجی

در غزل او، فرهنگ گذشته ایران با همه کمال ایرانی - اسلامی خود رخ می‌نماید: حافظ

۱۰۸-

(ممن اصغر، تشبیه، صفحه‌ی ۳۰ و ۳۱)

تشبیه فشرده به صورت ترکیب اضافی: ملک حسن (ب) / سلسله مو یا دام بلا (ج)

تشبیه فشرده به صورت غیر ترکیبی: تو امیر ملک حسنی (ب) / سلسله موی دوست

حلقه دام بلاست (ج)

۱۰۹-

(اعظم نوری نیا، تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم، صفحه‌ی ۱۵ و ۱۶)

تشریح گزینۀ‌های دیگر:

گزینۀ «۲»: «عظاملک جوینی: کتاب تاریخ جهانگشا را نوشته است. نویسنده جامع التواریخ، خواجه رشیدالدین فضل‌الله است.

گزینۀ «۳»: شمس قیس رازی: از نخستین و مهم‌ترین آثار در علم عروض، قافیه،

بدیع و نقد شعر می‌توان به کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم او اشاره کرد.

گزینۀ «۴»: سعدی: در بیش‌تر قالب‌های ادبی طبع آزمایی کرده است. وی گلستان را

به نثر مسجع و بوستان را در قالب مثنوی پدید آورد.

۱۱۰-

(اعظم نوری نیا، پایه‌های آوایی، صفحه‌ی ۲۵)

صورت درست پایه‌های آوایی مصراع گزینۀ «۴»:

ن ب هف تا	ب ک زن گش	ب ص دا تش	ن ز ود
-----------	-----------	-----------	--------



علوم و فنون ادبی (۱)

۱۱۱-

(سعیر یعفری، سبک و سبک‌شناسی (سبک عراقی)، صفحه‌ی ۶۰ و ۶۱)

استفاده از آرایه‌ی سجع: مکرم، محترم

کاربرد لغات مهجور عربی: خوض، رفعت، مغالبت، مکرم ...

۱۱۲-

(اعظم نوری‌نیا، قافیه، صفحه‌ی ۸۲)

قریب و مجیب: قافیه‌ی اصلی / رحمت و دعوت: قافیه‌ی دوم

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: قافیه: آرام و سرانجام / ردیف: خلق

گزینه‌ی «۲»: قافیه: جانم و درمانم / ردیف: اوست

گزینه‌ی «۳»: قافیه: بخواند و نشاند

۱۱۳-

(سعیر یعفری، هماهنگی پاره‌های کلام، صفحه‌ی ۷۵)

صامت: آواره / دولت / ویراستار / مأوا / حیوان

مصوت بلند: دست‌گیره / ویراستار / سیزده / سینا

۱۱۴-

(مهناز شریفی، سبک و سبک‌شناسی (سبک عراقی)، صفحه‌ی ۶۰ و ۶۱)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: در شیوه‌ی عراقی، نویسنده پس از آن که موضوع مورد نظر خود را (که

اغلب تعلیمی یا عرفانی است) در چند سطر مختصر توضیح داد در ادامه برای

شفاف‌سازی و درک بهتر موضوع آن را در قالب داستان و حکایت و به شیوه‌ی تمثیل

بیان می‌کند.

گزینه‌ی «۳»: در خط اول حذف به قرینه (لفظی) وجود دارد. مال از بهر آسایش

عمرست نه عمر از بهر گرد کردن مال [است]. فعل «است» حذف شده است.

گزینه‌ی «۴»: استفاده از سجع (بین واژه‌های خورد و مرد / کشت و هشت) و تضاد

(نیک‌بخت و بدبخت)

۱۱۵-

(سیریممال طباطبایی‌نژاد، قافیه، صفحه‌ی ۸۲)

بیت گزینه‌ی «۲» ذوقافیتین است: قمر، شکر: قافیه‌ی دوم / خیزد، ریزد: قافیه‌ی اصلی

قافیه‌ی درونی در بقیه‌ی گزینه‌ها:

گزینه‌ی «۱»: عطاران، بیکاران

گزینه‌ی «۳»: نای (ساز نی)، نای (نام زندان مسعود سعد)، جای

گزینه‌ی «۴»: نشین، نازنین، زمین

۱۱۶-

(مفسن اصغری، هماهنگی پاره‌های کلام، صفحه‌ی ۷۶)

ر	یا	ه	را	ک	خا	بر
U	-	U	-	U	-	-
خُش	ی	رو	یم	د	ها	نَ
-	U	-	U	-	-	U

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»:

در	خَ	را	با	ت	ط	ری	قت
-	U	-	-	-	U	-	-
ما	ب	هم	مَن	زل	شَ	ویم	-
-	U	-	-	-	U	-	-

گزینه‌ی «۲»:

عا	ق	لان	دی	وا	ن	گر	دَن
-	U	-	-	-	U	-	-
دز	پ	ی	زَن	جی	ر	ما	-
-	U	-	-	-	U	-	-

گزینه‌ی «۴»:

گر	د	هد	دس	نم	ک	شم	در
-	U	-	-	-	U	-	-
دی	د	هم	چَن	تو	ت	یا	-
-	U	-	-	-	U	-	-

۱۱۷-

(وفیر رشازره، سبک و سبک‌شناسی (سبک عراقی)، صفحه‌ی ۶۰ و ۶۱)

عبارت گزینه‌ی «۴» هم نثر مسجع نیست و هم لغات عربی کمتر مشهود است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۱»: استفاده از آرایه‌های ادبی در نثر (سجع و مراعات نظیر) / کاربرد فراوان

لغات عربی

گزینه‌ی «۲»: نثر، عرفانی است. / استفاده از سجع

گزینه‌ی «۳»: استفاده از آرایه‌هایی چون سجع در نثر / آوردن مترادف‌ها و توصیفات فراوان

۱۱۸-

(مفسن اصغری، هماهنگی پاره‌های کلام، صفحه‌ی ۷۵)

یاس / عقل / عشق / میست / بحر (۵ مورد)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه‌ی «۲»: رفت / لیم (دو مورد)

گزینه‌ی «۳»: قُست / نوش (دو مورد)

گزینه‌ی «۴»: نیست / صبح (دو مورد)



۱۱۹-

(عارف سارات طباطبایی نژاد، سبک و سبک‌شناسی (سبک عراقی)، صفحه‌ی ۶۰)
تشریح گزینه‌های دیگر:
 گزینه‌ی «۱»: صبحدم: تشخیص / آفتاب وفا: استعاره از معشوق
 گزینه‌ی «۲»: دانه دل: تشبیه / دل مثل تخم وفا: تشبیه
 به زیر خاک کردن: کنایه از «پرورش دادن»
 زیر آب کردن: کنایه از «ز بین بردن»
 گزینه‌ی «۳»: دست برآوردن: کنایه از «میانجی‌گری کردن» - غم به کران بردن کنایه
 از «تمام کردن غم» / زمانه: تشخیص

۱۲۰-

(عارف سارات طباطبایی نژاد، هماهنگی پاره‌های کلام، صفحه‌ی ۷۵)
 در مصراع گزینه‌ی «۱» «۲۲ صامت وجود دارد»
 ء ا ش ا ک ا م ا ن ا ر ا ن ا گ ا ش ا ف ا ق ا ی ا ف ا ت ا ز ا ب ا م ا ه ا ر ا ی ا ی ا ر
تشریح گزینه‌های دیگر:
 گزینه‌ی «۲»:
 ز ا ب ا س ا ک ا ب ا ر ا س ا ر ا ک ا ی ا ت ا ء ا ش ا ک ا ر ا خ ا ت ا ء ا م ا (۱۹)
 گزینه‌ی «۳»:
 د ا س ا ت ا خ ا ش ا ت ا م ا ن ا م ا د ا س ا ت ا ج ا ف ا ب ا ر ا گ ا ش ا ی (۱۹)
 گزینه‌ی «۴»:
 گ ا ر ا ب ا ک ا ی ا ء ا م ا ح ا ل ا ل ا پ ا س ا ب ا ن ا س ا ت ا م ا ر (۱۸)

منطق

۱۲۱-

(ناھیر پوهریان، اقسام استدلال و کاربردهای آن، صفحه‌ی ۴۴ و ۴۷)
 استدلال تمثیلی، استدلالی است که برای رسیدن به نتیجه در آن، از تمثیل استفاده
 می‌شود و یکی از روش‌ها در توضیح و فهم بهتر مطالب است. استفاده از دستگاه‌های
 شبیه‌ساز و نقل داستان افرادی که مشکلی مشابه دارند و ... نیز از کاربردهای «استدلال
 تمثیلی» است. استفاده از نتایج چند نمونه قالب ریخته‌گری و ... کاربردهای استقرا است.

۱۲۲-

(عاطفه ربابه صالحی، اقسام استدلال و کاربردهای آن، صفحه‌ی ۴۵)
 استدلال تمثیلی استدلالی «ضعیف» و نتایج آن «احتمالی» است.

۱۲۳-

(فاطمه شهمیری، اقسام استدلال و کاربردهای آن، صفحه‌ی ۴۶)
 استدلال مطرح شده در صورت سؤال، یک استدلال تمثیلی است که برای نقد آن از
 دو روش می‌توان استفاده کرد: ۱- توجه به وجوه اختلاف ۲- یافتن استدلال تمثیلی
 مخالف؛ در این مثال با «توجه به وجوه اختلاف» میان معاون اداره و چرخ یدکی،
 استدلال نقض شده است.

۱۲۴-

(ناھیر پوهریان، اقسام استدلال و کاربردهای آن، صفحه‌ی ۴۷ و ۴۸)
 استدلال استقرایی قوی، مبنایی برای علوم تجربی است و از «مشاهده چند مورد
 جزئی» در استقراء حکمی کلی به دست می‌آید که با یافتن یک مورد برخلاف حکم
 کلی می‌توان گفت استدلال استقرایی چندان «قوی نیست» و نمونه‌هایی از جمله
 اینکه «چون در پاییز گوجه سبز نخورده‌ایم و گوجه سبز تا به حال در فصل بهار
 بوده»، نمونه‌ای از استدلال استقرایی می‌باشد.

۱۲۵-

(مهمرسین امامی، اقسام استدلال و کاربردهای آن، صفحه‌ی ۴۸ و ۴۹)
 برای داشتن استقرای قوی باید نکاتی را رعایت کنیم از جمله آن‌که نمونه‌ها باید
 «تصادفی و اتفاقی باشند» تا بیانگر تمام طیف‌های مختلف باشند. استنتاج بهترین
 تبیین، نوعی استدلال استقرایی است.

۱۲۶-

(سید علیرضا امیری، اقسام استدلال و کاربردهای آن، صفحه‌ی ۴۴ و ۴۷)
 در صورتی که از مقدمات جزئی به نتیجه‌ای کلی برسیم که احتمال کذب آن وجود
 داشته باشد، استدلال را «استقرایی» می‌نامند.

۱۲۷-

(فاطمه شهمیری، قضیه حملی، صفحه‌ی ۵۹)
 از آنجا که وظیفه منطق جلوگیری از خطای اندیشه است و جملات انشایی را نمی‌توان
 صادق یا کاذب دانست، این دسته از جملات در منطق بررسی نمی‌شوند.
توضیح نکات درسی:
 به جملات با معنایی که درباره چیزی خبر می‌دهند و می‌توانیم درباره صدق (درستی)
 یا کذب (نادرستی) آن‌ها سخن بگوییم «قضیه» می‌گویند.

۱۲۸-

(مهمرسین امامی، قضیه حملی، صفحه‌ی ۶۰ و ۶۱)
 در قضایای حملیه، رابطه میان «موضوع و محمول» منطقاً دارای دو صورت «سلب یا
 ایجاب» می‌باشد که آن را «کیفیت» قضیه می‌نامند.

۱۲۹-

(سید علیرضا امیری، قضیه حملی، صفحه‌ی ۶۲)
 اگر موضوع قضیه، مفهومی جزئی باشد، آن را قضیه شخصی می‌نامند؛ مانند «سقراط
 در دادگاه محکوم شد».

۱۳۰-

(فاطمه شهمیری، قضیه حملی، صفحه‌ی ۶۳)
 جزئی و کلی بودن «سور قضیه» که مربوط به مصادیق موضوع است، با جزئی و کلی
 بودن «موضوع قضیه» که مربوط به مفهوم موضوع است، متفاوت است و تنها «در لفظ
 اشتراک دارند.» وظیفه سور در قضیه، تعیین دامنه مصادیق موضوع است.

فلسفه

۱۳۱-

(عاطفه ربابه صالحی، فلسفه چیست (۳)، صفحه‌ی ۲۶)
 نگاه فلسفی، نگاهی «ریشه‌یاب» است و فیلسوف همواره می‌کوشد تا از ظاهر پدیده‌ها
 فراتر رود و آن‌چه را که در بن و باطن پدیدارهاست، بشناسد.

۱۳۲-

(ناھیر پوهریان، فلسفه چیست (۳)، صفحه‌ی ۲۶)
 فلسفه عبارت است از کوشش برای فهم علت حقیقی رویدادها و درک مبانی و اصولی
 که علوم تجربی و علوم انسانی بر آن‌ها استوار شده است. وقتی بررسی جنبه‌ای از
 اشیاء را مورد نظر قرار دهیم در حوزه علوم تجربی وارد شده‌ایم. در «فیزیک» چیزها
 را از لحاظ گرمی و سردی و خواص ماده و حرکت و سکون مطالعه می‌کنیم.

۱۳۳-

(مهمرسین امامی، فلسفه چیست (۳)، صفحه‌ی ۲۷)
 «بودن»، هستی داشتن و «وجود داشتن»، دارای احکام و قواعدی است که فلسفه اولی
 یا مابعدالطبیعه یا متافیزیک به آن می‌پردازد.

۱۳۴-

(سید علیرضا امیری، فلسفه چیست (۳)، صفحه‌ی ۲۷)
 ما معمولاً به اشیاء از آن جهت که چه چیزی هستند توجه می‌کنیم و در نتیجه سراغ
 علوم مختلف می‌رویم؛ اما اگر زمانی به «بودن» اشیاء و اصل «هستی» آن‌ها، با قطع
 نظر از چه چیز بودن و اختلاف آن‌ها توجه کردیم، آن هنگام ما قدم در عرصه
 مابعدالطبیعه نهاده‌ایم.

۱۳۵-

(فاطمه شهمیری، فلسفه چیست (۳)، صفحه‌ی ۲۸ و ۲۹)
 بحث «وجود و ماهیت» از مباحث مهم مابعدالطبیعه است و «علیت» اگر به اصل
 هستی بازگردد، از بحث‌های فلسفه اولی است، اما اگر مصادیق رابطه علی و معلولی
 بررسی گردد، در علوم طبیعی مطرح می‌شود.



۱۳۶-

(مفروضین امامی، فلسفه چیست (۳)، صفحه‌ی ۲۹ و ۳۰)
فلسفه‌ی اولی تبیین وجود است. وجود همه‌ی موجودات از آن حیث که موجود هستند و نه از آن جهت که وجودی مادی یا الهی دارند.

۱۳۷-

(سیر علیرضا امیری، فلسفه چیست (۲)، صفحه‌ی ۱۳ تا ۱۶)
نظریه‌ی گشتالت معتقد است که انسان، در یادگیری و شناخت، اجزای تشکیل دهنده‌ی جدا از هم یا در کنار هم را درک «نمی‌کند»؛ بلکه آن‌ها را مانند مجموعه‌های متداخل، به صورت کل یا واحد می‌شناسد.

۱۳۸-

(فاطمه شومیری، فلسفه چیست (۲)، صفحه‌ی ۲۱ تا ۲۳)
هنر در هر دوره از تاریخ تفکر و تمدن بشر، جلوه‌ای از نگاه انسان به حقیقت جهان در آن دوره بوده است و تفاوت هنر در دوران مختلف ریشه در تحول و دگرگونی بینش‌های فلسفی بشر داشته است.

۱۳۹-

(ناهریز پوهریان، فلسفه چیست (۱)، صفحه‌ی ۷ تا ۹)
فلسفه در معنای عرفی «تبیین عقلانی» یک پدیده است. با قبول اصل «یکسان عمل کردن طبیعت» است که فرد انتظار دارد وقتی گندم می‌کارد گندم برداشت کند و فلسفه وقتی به دنبال تبیین عقلانی مبانی و اصول غیر تجربی علوم است به «فلسفه علوم تجربی» می‌پردازد.
توضیح نکات درسی:
فلسفه علوم تجربی، همان فلسفه علوم طبیعی است.

۱۴۰-

(فاطمه شومیری، فلسفه چیست (۱)، صفحه‌ی ۲ و ۳)
سقراط به علت تواضع و فروتنی یا شاید برای «هم ردیف نشدن با سوفیست‌ها»، مایل نبود او را سوفیست یا دانشمند بخوانند و از این رو خود را «فیلسوفوس» یعنی دوستدار دانش نامید که رفته‌رفته به مفهوم «دانشمند» ارتقا پیدا کرد.

فلسفه (شاهد «گواه»)

۱۴۱-

(کتاب جامع، فلسفه چیست (۱)، صفحه‌ی ۲ کتاب درسی)
سوفسطائیان استدلال‌هایی را به کار می‌بردند که ظاهراً درست بود، اما «در واقع مطابق با واقع نبود» و غلط بود.

۱۴۲-

(کتاب جامع، فلسفه چیست (۱)، صفحه‌ی ۲ کتاب درسی)
لفظ فلسفه ریشه‌ی یونانی دارد و معرب کلمه‌ی «فیلسوفیا» است. فیلسوفیا به معنای «دوستداری دانایی» است.
تشریح گزینه‌های دیگر:
گزینه‌های «۲» و «۴»: «فیلسوفوس» به معنای دوستدار دانش است.

۱۴۳-

(کتاب جامع، فلسفه چیست (۱)، صفحه‌ی ۶ و ۷ کتاب درسی)
از طریق اصل «علیت» است که تمام تحقیقات علمی معنا پیدا می‌کند و «همه‌ی دانشمندان آن را قبول دارند» و قوانین علمی بر پایه‌ی آن بنا شده است. اصل‌هایی هم چون «واقعیت داشتن جهان»، «قابل شناخت بودن طبیعت» و... از مبانی فلسفی علوم طبیعی هستند و علوم تجربی به این اصول متکی هستند در حالی که آن‌ها در هیچ علم تجربی قابل تحقیق «نیستند».

۱۴۴-

(کتاب جامع، فلسفه چیست (۲)، صفحه‌ی ۱۳ کتاب درسی)
مکتب «تحصلی» که پایه‌گذار آن آگوست کنت می‌باشد، برای شناختی ارزش قائل بود که از طریق «حس و تجربه» به دست بیاید و در نتیجه اموری قابل اثبات می‌باشند، که مشاهده‌پذیر باشند. در چنین نگرشی، تفکر عقلانی محض که قابل مشاهده نباشد بدون اعتبار است و نظریات آگوست کنت در روان‌شناسی تأثیر فراوانی به‌جا نهاد از آن جمله اینکه مطالعات روان‌شناسی تنها بر چیزهایی که می‌توانست «قابل رؤیت و محسوس» باشد متمرکز شد.

۱۴۵-

(کتاب جامع، فلسفه چیست (۲)، صفحه‌ی ۱۷ کتاب درسی)
در مکتب فلسفی «مارکسیسم»، این عقیده وجود دارد که انسان مانند قطعه مومی است که در دست شرایط اقتصادی و اجتماعی زمانه خود، شکل می‌گیرد و نمی‌تواند به خودش شکلی دهد. در مقابل این طرز تفکر، فیلسوفانی هستند که عقیده دارند انسان با «روح غیرمادی و فطرت الهی خود، صاحب اراده‌ای آزاد است».

۱۴۶-

(کتاب جامع، فلسفه چیست (۲)، صفحه‌ی ۱۹ کتاب درسی)
در علم اخلاق، همه‌جا صحبت از خوبی و بدی و باید‌ها و نبایدهای اخلاقی و فضیلت و رذیلت است، نه فلسفه‌ی علم اخلاق.

۱۴۷-

(کتاب جامع، فلسفه چیست (۲)، صفحه‌ی ۱۲ و ۱۸ کتاب درسی)
سؤال اساسی در علم سیاست این است که حکومت بر مردم حق چه کسانی است و مردم باید از چه کسی یا چه کسانی اطاعت کنند؟ که گروهی اقتدار و مشروعیت را متعلق به اکثریت مردم یک جامعه می‌دانند که اقلیت باید تابع رای اکثریت باشد، پس مفاهیمی چون مشروعیت، اکثریت و اقلیت در «سیاست» مطرح می‌شود و در «روان‌شناسی» بحث از حقیقت ذهن آدمی و قواعد شناخت عالم خارج مطرح می‌شود.

۱۴۸-

(کتاب جامع، فلسفه چیست (۳)، صفحه‌ی ۲۹ کتاب درسی)
از مباحث فلسفه اولی می‌توان به مبحث «وحدت و کثرت» اشاره کرد. ما در بین موجودات هم کثرت می‌بینیم و هم وحدت. اگر «کثرت» نبود پدیده‌های عالم را نمی‌توانستیم از یکدیگر تمیز دهیم و اگر «وحدتی» در کار نبود هرگز نمی‌توانستیم میان اشیاء شباهت و همانندی تشخیص دهیم؛ پس تشخیص همانندی و شباهت ناشی از «وحدت» است و تمیز آنها از یکدیگر مربوط به «کثرت» است.

۱۴۹-

(کتاب جامع، فلسفه چیست (۳)، صفحه‌ی ۲۶ و ۲۸ کتاب درسی)
در ریاضیات هر چیز را از آن جهت که «کمیت» و «مقدار» دارد، مطالعه می‌کنیم. حرکت و سکون در مبحث «فیزیک» و رابطه‌ی علت و معلول در مابعدالطبیعه یا فلسفه اولی مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱۵۰-

(کتاب جامع، فلسفه چیست (۳)، صفحه‌ی ۲۷ و ۲۹ کتاب درسی)
مهم‌ترین بخش فلسفه، فلسفه اولی یا مابعدالطبیعه نام دارد. اگر زمانی به «بودن» اشیاء و اصل هستی آن‌ها، با قطع نظر از چه چیز بودن و اختلاف آن‌ها توجه کردیم؛ یعنی اگر زمانی خود «هستی» و «هست بودن اشیاء» ذهن ما را به خود جلب کرد، در آن هنگام ما قدم در عرصه‌ی مابعدالطبیعه نهاده‌ایم.

روان‌شناسی

۱۵۱-

(هژبر ریمی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۶۱ و ۶۲)
رشد سریع شناختی در نوجوانی و جوانی باعث می‌شود که فرد بهتر بتواند درباره‌ی مسائل اخلاقی، ارزشی و دینی قضاوت کند و واکنش دقیق‌تری نشان دهد.



روان‌شناسی (شاهد «گواه»)

۱۵۲-

(سوفیا فرنی، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌ی ۲۵ و ۲۶)
الف) هیپوتالاموس، رفتار مربوط به بقای نوع را تنظیم می‌کند، مانند: جنگیدن، تغذیه، فرار کردن و جفت‌گیری
ب) کنترل هماهنگی بدن، توازن و کشش عضلانی با مخچه است.
ج) هسته‌های قاعده‌ای در قسمت پیش مغز در سمت جلو و بالای مغز قرار دارند.
د) قطعه پیشانی، با پردازش حرکت و فرایندهای عالی مانند تفکر سر و کار دارد.

۱۶۱-

(کتاب جامع، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌ی ۱۴ کتاب درسی)
پیش‌بینی پرخاشگری کودکان با تماشای فیلم‌های خشونت‌آمیز بسیار دشوار است چون دقیقاً باید تأثیر عوامل دیگر بر ایجاد پرخاشگری را بشناسیم.

۱۵۳-

(سوفیا فرنی، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌ی ۱۳ و ۱۴)
تشریح عبارتهای نادرست:
ب) سطح صوری یک نظریه، ساختار ظاهری و نحوه نگارش آن است. منظور از سطح تجربی، تجربه‌پذیری و پژوهش‌پذیری آن است. پ) روان‌شناسی، در مقایسه با سایر علوم تجربی، در توصیف و تبیین پدیده‌ها با دشواری‌های زیادی روبه‌رو است.

۱۶۲-

(کتاب جامع، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌ی ۲۷ تا ۲۹ کتاب درسی)
رفتار نوع دوستانه حیوانات به صورت تکاملی را با روش «مشاهده» می‌توان بررسی کرد. در همه پرسی‌ها معمولاً از روش «مصاحبه ساختار یافته» بهره می‌برند. «مصاحبه بدون ساختار» بسیار وقت‌گیر است و محقق باید نکات اخلاقی را رعایت کند. در صورتی که مطالعه و بررسی مسأله به صورت مشاهده مستقیم امکان‌پذیر نباشد از پرسش‌نامه‌ها استفاده می‌کنند.

۱۵۴-

(هزبر ریمی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۵۶)
یکی از پیامدهای تغییرات شناختی آرمان‌گرایی و عیب‌جویی است که توصیه می‌شود در آن به نوجوانان کمک کنند تا دریابند جوامع و افراد، آمیزه‌ای از محاسن و معایب هستند و در حساسیت نسبت به انتقاد دیگران توصیه می‌شود در حضور دیگران از نوجوانان عیب‌جویی نشود.

۱۶۳-

(کتاب جامع، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌ی ۳۱ کتاب درسی)
روان‌شناس به مدت چهار سال در مقطع دکتری تخصصی روان‌شناسی تحصیل می‌نماید.

۱۵۵-

(مهسا عفتی، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌ی ۲۱)
شناخت پایه شامل سه فرآیند: توجه، ادراک و حافظه است و شناخت عالی دربرگیرنده انواع تفکر است.

۱۶۴-

(کتاب جامع، روان‌شناسی: تعریف و روش مورد مطالعه، صفحه‌ی ۱۲ کتاب درسی)
فرضیه در صورت تأیید به اصل یا قانون تبدیل می‌شود و یک فرضیه خردمندانه به این معنا است که براساس شانس و تصادف نیست بلکه بر دانش و تجربه مبتنی است.

۱۵۶-

(هزبر ریمی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۵۵ و ۵۶)
امین احتمال مسئله‌ای را می‌دهد که در کودکی به آن توجه نداشته است، به این ویژگی شناختی تفکر احتمال‌گرا می‌گویند. جمله دوم به ویژگی احساس منحصر به فرد بودن اغراق‌آمیز اشاره دارد. جمله سوم بیانگر این مطلب است که در نوجوانان پردازش غالب، پردازش مفهومی است یعنی نوجوانان فایده‌مندی یک کالا را براساس ماندگاری، کیفیت و ... می‌سنجند.

۱۶۵-

(کتاب جامع، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۳۸ کتاب درسی)
سن ۳ تا ۶ سالگی زمان تقریبی یادگیری دوچرخه‌سواری است که در نتیجه تغییرات رشدی یا همان عوامل زیستی در کنار تمرین و آموزش یا همان یادگیری حاصل شده است.

۱۵۷-

(الهام میرزائی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۴۵ تا ۴۷)
الف) ابتدایی‌ترین و شاخص‌ترین جنبه رشد، رشد جسمانی - حرکتی است.
ب) رشد انسان از زمان تشکیل نطفه شروع می‌شود.
ج) دوره کودکی نسبت به سایر دوره‌های بعد اهمیت زیادی دارد.
د) کودکان در ابتدا قادر به حرکات درشتی همچون بالا رفتن از پله‌ها هستند. سپس مهارت حرکات ظریف همچون بستن بند کفش را به‌دست می‌آورند.

۱۶۶-

(کتاب جامع، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۴۰ کتاب درسی)
کروموزوم‌های مادر به‌صورت XX + ۴۴ و کروموزوم‌های پدر به‌صورت XY + ۴۴ می‌باشد.

۱۵۸-

(الهام میرزائی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۴۸ و ۵۰)
الف) رشد هیجانی
ب) رشد شناختی
ج) رشد اجتماعی

۱۶۷-

(کتاب جامع، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۵۲ کتاب درسی)
رشد اخلاقی دربرگیرنده آن دسته از قوانین و مقررات اجتماعی است که تعیین می‌کند انسان‌ها در رابطه با دیگران چگونه باید رفتار کنند و با توجه به رشد اخلاقی محدود در کودکی اول، یک کودک ۶ ساله صرفاً برای خوشحال کردن پدر و مادرش کار خوب را انجام می‌دهد اما وقتی که بزرگ شد کار خوب را چون کار درستی است انجام می‌دهد.

۱۵۹-

(الهام میرزائی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۵۳ و ۵۴)
الف) از ۱۲ سالگی تا ۲۰ سالگی را با نام دوره نوجوانی می‌شناسیم.
ب) در دوره نوجوانی اندازه قلب دو برابر و ظرفیت شش سه برابر قبل می‌شود.
ج) رویش موی صورت در پسران از ویژگی‌های جنسی ثانویه است.

۱۶۸-

(کتاب جامع، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۴۴ کتاب درسی)
پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: کودک هفت سال آقا و سرور است و هفت سال فرمانبردار و هفت سال وزیر و مشاور است.

۱۶۰-

(الهام میرزائی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۵۵ و ۵۶)
الف) نوجوانان در نحوه به‌کارگیری توانایی‌های شناختی خود، پختگی لازم را ندارند.
ب) درست
ج) نوجوانان قادر به ظرفیت‌سازی حافظه خود هستند.
د) درست

۱۶۹-

(کتاب جامع، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۴۲ کتاب درسی)
عوامل محیطی، عبارت‌اند از آن دسته از عواملی که در بیرون از افراد وجود دارد و بر بروز تغییرات رشدی فرد در جنبه‌های مختلف و در مراحل مختلف رشد مؤثر است و «یادگیری» یکی از مهم‌ترین این عوامل محیطی است.

۱۷۰-

(کتاب جامع، روان‌شناسی رشد، صفحه‌ی ۴۰ کتاب درسی)
وراثت به عنوان یک عامل زیستی مؤثر بر رشد شناخته شده است. که عوامل زیستی همان ایجادکننده خصیصه‌ها یا صفاتی می‌باشند که از قبل در فرد نهفته هستند.